

هنر فرعون‌ی و تخیل جدید

نوشته: ریچارد فزینی

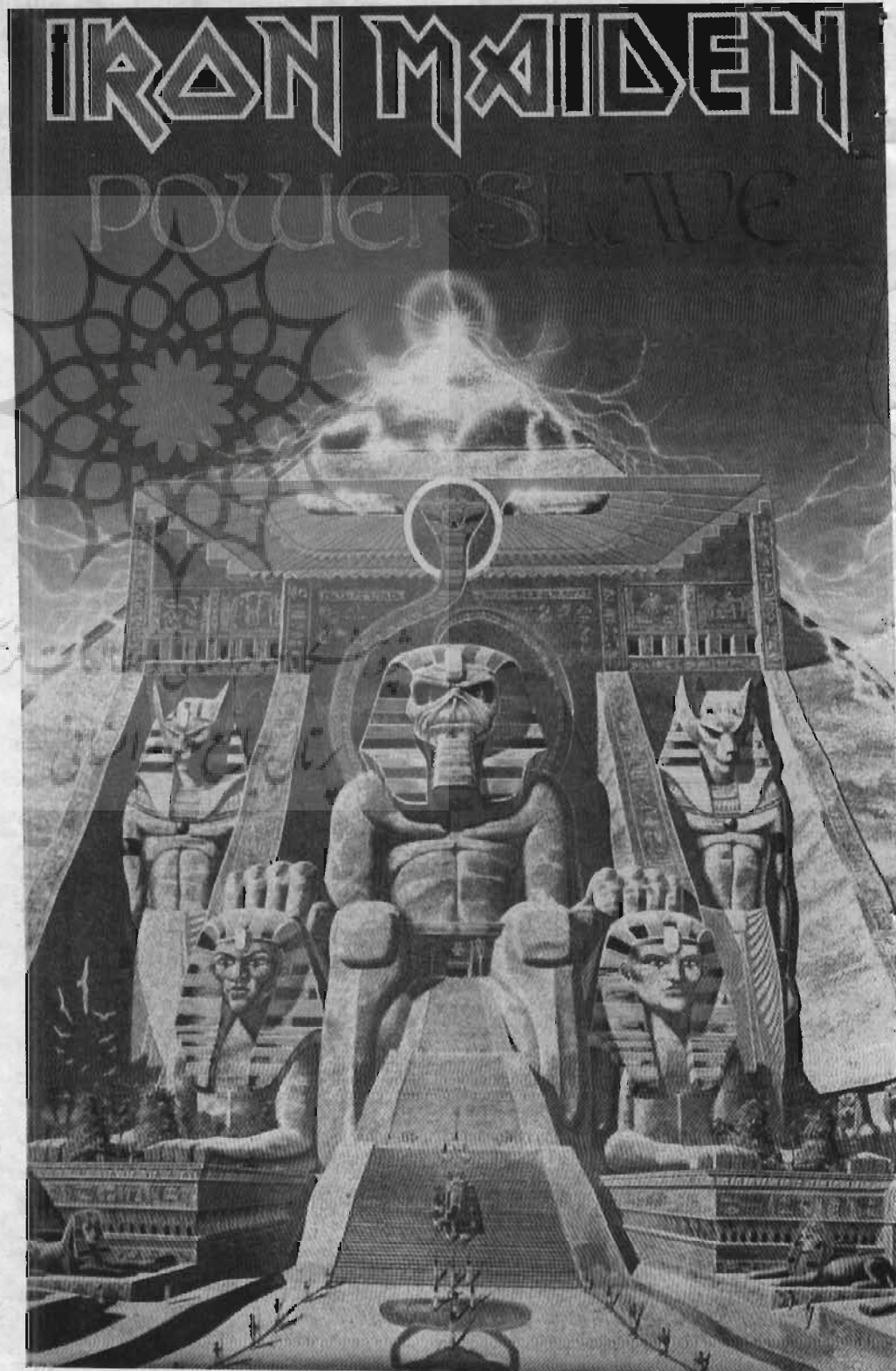
احساس هویت زیر پوشش جنبش ملی‌گرایی در مصر از طریق کشف مجدد باستان‌شناختی مصر باستان افزایش یافت. این حقیقت در آثاری همچون پیکره نیمه فرعون‌ی شده «بیداری مصر» در قاهره اثر محمود مختار (۱۹۳۴ - ۱۸۹۱)، و در استفاده از تاریخ مصریان باستان در داستانهای تمثیلی نجیب محفوظ نویسنده جدید متجلی است.

این گونه استفاده‌ها از عناصر تاریخ و هنر مصریان باستان ممکن است برای فراغت اوایل سلسله‌های جدید (قرن شانزدهم ق م) که هیکوسوسها را - که اصطلاحاً «پادشاهان شبان شرق» نامیده می‌شوند - از مصر بیرون کرده و کشور را بار دیگر متحد ساختند، امر آشنایی بوده است. این فراغت که خود را وارثان پادشاهان اوایل سلسله‌های میانی (اواخر قرن بیست و یکم و اوایل قرن بیستم ق م)، که یکپارچگی دوباره مصر پس از سرنگونی سلسله‌های قدیم در زمان آنها انجام شده بود، می‌دانستند، میان خویش و «نیاکان» اوایل سلسله‌های میانی‌شان روابط تنگاتنگ مذهبی و هنری به سبک کهن برقرار ساختند. در واقع، در حالی که تمدن مصر باستان به اندازه کافی تطوّر گرا بود و اجازه دگرگونیهای هنری باور ناکردنی را می‌داد، به همان اندازه نیز در برابر دگرگونیها ایستادگی می‌کرد تا تداوم شکفتی آفرین را تضمین بخشد، و مفاهیمی را در برگیرد که اجازه می‌داد گذشته الگوی قابل دوامی برای حال باشد.

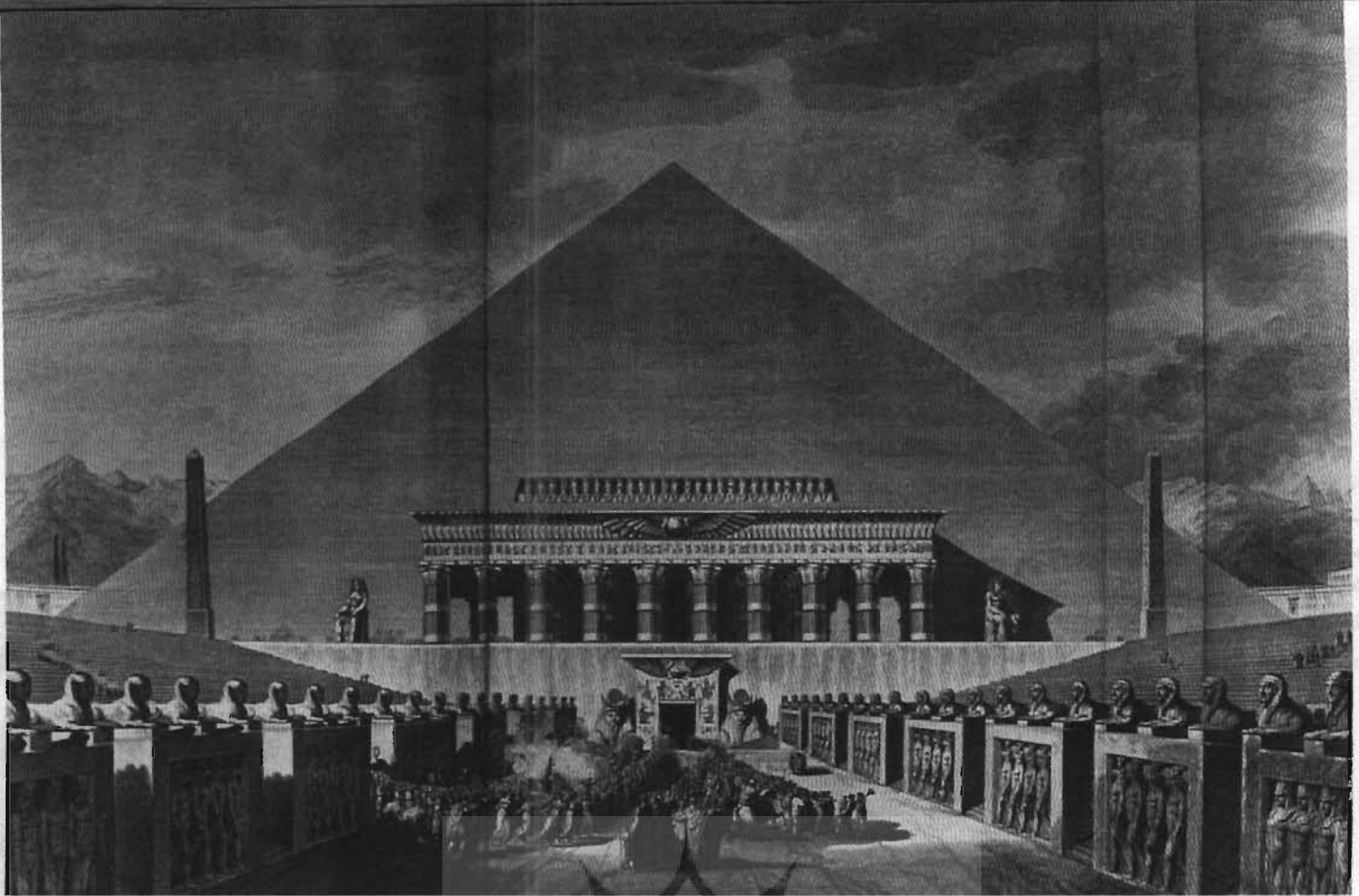
این موضوع همچنین نشان می‌دهد که چگونه هنر مصری قرن چهارم ق م و بعد از آن، که سلسله‌های محلی بیست و نهم و سی ام (۳۴۳ - ۳۹۹ ق م) را در بر می‌گیرد، آمیخته‌ای از عوامل سنتی و ابداعی بود. ویژگیهای هنر آن دوران به طور کلی عبارت بودند از کمال بیشتر در سبک تصویری، اشتیاق بیشتر برای نقش جانوران، اقراط در نقش خدایان و نمادهای مذهبی، و اشکال و تزئین پیچیده‌تر. این هنر اخیر مصری به ویژه در سراسر دنیای هلنی و رومی، از طریق انتشار آیینهای مذهبی مصری گسترش یافت. در ایتالیا و به ویژه در روم اشیاء وارداتی مصری را به همراه کارهای جدید مصری شده در آیینهای مذهبی مورد استفاده قرار می‌دادند، و هم آنها را برای بازتاب شکوه امپراطوری، یا تزئین خانه‌ها و باغها با عوامل غیر مصری ترکیب می‌کردند.

با سقوط روم و طلوع مسیحیت و اسلام، مصر باستان به قلمرو ناشناخته اسرارآمیز و شگفت‌آور گام نهاده و حتی پس از آغاز کشف مجددش در دوران رنسانس در آن قلمرو باقی ماند، زیرا کاشفان دوباره مصر، برای مثال، به نظریه پیوند میان اصول مسیحیت و حکمت یا سحر مصر باستان علاقه‌مند بودند. افزون بر آن، منابع اصلی رنسانس برای مطالعه مصر باستان، اشیاء مصری و مصری شده متعلق به ایتالیا و روم بود. اولی در مجموع نمی‌توانست نماینده مصر باستان باشد و گروه دوم از لحاظ میزان تبعیت از ضوابط مصری تفاوت زیادی با یکدیگر داشتند.

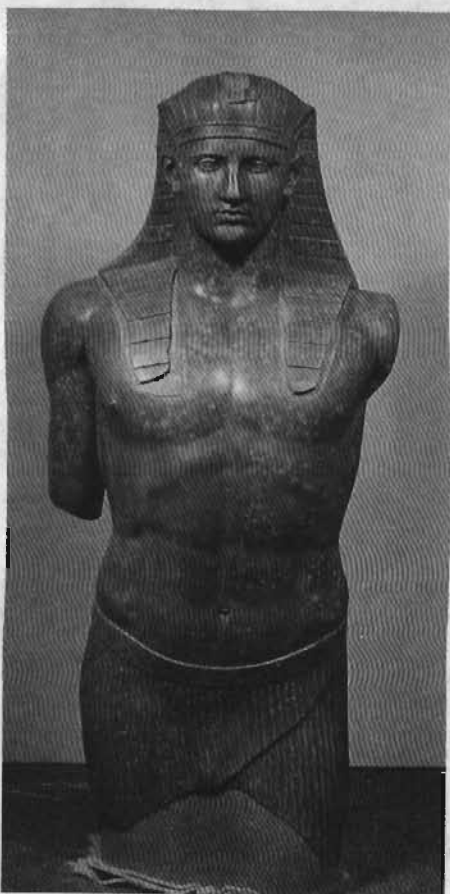
یک کشف به ویژه بسیار مهم منسای ایزیاکای دوران رومی بود، زیرا این اثر به یک پایه میز (منسای در زبان ایتالیایی) شباهت داشت و از لحاظ شمایل‌نگاری با



▶ پوستر تبلیغاتی یک آلبوم صفحه متعلق به یک گروه موزیک جدید پاپ ترکیبی افسانه‌ای و تئاتری از چهره‌های مشهور مصر باستان است.



▲ بالا، هرم بزرگ، کلیشه‌ای از هنرمند فرانسوی لوئی - فرانسوا گتس (۱۸۲۸ - ۱۷۵۶). تمامی تصویر ترکیب افسانه‌ای رومانتیکی است از یک هرم دوران سلسله‌های قدیم با معبدی از زمانهای بسیار جدیدتر و راه ورودی که در دو سوی آن ابولهولهای غیر مصری بسیاری ردیف شده‌اند. زمینه تصویر دورنمای کوهی است که آن نیز غیر مصری است. بالا، صفحه مقابل، یک هرم فلزی و شیشه‌ای در برابر ورودی اصلی و محوطه پذیرایی موزه لورر، در پاریس، به عنوان بخشی از یک برنامه نوپردازی برپا شده است. این ساختار را ا. م. پای، معمار آمریکایی در سال ۱۹۸۸ به پایان رساند.



رومی مصری شده هستند، معنی زیادی شده است تا به جای استفاده از تک نقشمایه‌ها یک سبک مصری شده ابداع و به کار گرفته شود. در واقع، پیرانسی از نخستین کسانی بود که هنر مصر را برای زیبایی تزئینی آن و نه بخاطر عظمت و اسرارآمیز بودنش ستود. به این ترتیب اروپا قبل از لشکرکشی سالهای ۱۸۰۱ - ۱۷۹۸ ناپلئون به مصر مجذوب آن سرزمین شده بود. لشکرکشی مزبور اولین و بزرگترین نهضت از یک رشته نهضت مربوط به تجدید حیات فرهنگ مصر بود که در فواصل آنها نیز علاقه به فرهنگ و هنر مصر همچنان ادامه داشت. لشکرکشی ناپلئون همچنین آغازگر کشف باستان شناختی مصر بود، که به رشد توان دانشمندان در بازسازی دقیقتر تاریخ و تمدن مصر، و درک و ستایش هنر آن در همه دوره‌ها رهنمون گردید. این موضوع همچنین مصری شدن ادبیات، هنر، معماری، صحنه‌آرایی و مانند آن را دقیقتر کرد. اما همه اینها، آن گونه که برای مثال در مجسمه مصری شده متعلق به سال ۱۸۰۸ خیابان دو سور پاریس که براساس مجسمه آنتینوس - که در سال ۱۷۴۰ کشف شد - ساخته شده مشاهده می‌شود، یکباره اتفاق نیفتاد. در آثار به تازگی کشف شده، الگوهای جدیدتری که از دیرباز شناخته شده بودند، جایگزین الگوهای قدیمیتر نمی‌شدند، بلکه در کنار هم ظاهر می‌گردیدند. بازسازی کامل و دقیق تمدنهای باستان کار دانشمندان است نه هنرمندان.

مراسم نیایش ایزیس مربوط بود. منسا ایزیاکا که از مفرغ و نقره است، با تصاویر خدایان، نمادهای مصری و نیز خطوط هیروگلیفی که کاملاً خوانا هستند، تزیین شده است. همچون بیکره‌های مصری - کلاسیک مشابه مجسمه آنتینوس، سوگلی امپراتور هادریان و متعلق به قرن دوم میلادی، که در سال ۱۷۴۰ در نیوولی پیدا شد، منسا ایزیاکا به صورت منبهی برای عناصر مصری شده در هنر رنسانس در آمد. دلیل این امر تا حدودی آن بود که استفاده از بیکره‌های مصری و منسا ایزیاکا به عنوان منابع خوبی برای چنان کوششها در عصر رنسانس ادامه یافت. این آثار و دیگر کارهای مصری و رومی مصری شده با وجود افزایش علاقه به مطالعه مصر در قرن هفدهم، و در دست داشتن اطلاعات دست اول از این سرزمین، نقش خود را در مطالعات مصری و هنر مصری شده در دنیای غرب حفظ کردند. با این حال، در قرن هجدهم چندین پیشرفت غیر علمی موجبات توجه بیشتری را به مصر باستان فراهم آورد، و نیز تأثیر آن را بر هنرهای غرب افزایش داد. این پیشرفتها افزایش اهمیت فراماسون بودن، مفهوم متعال (توانایی هنر و معماری در تهیج واکتشافهای احساسی مانند شگفتی و وحشت)، و پیدایش مفهوم نو کلاسیسیسم برای عظمت، سادگی و حجم را شامل گردید.

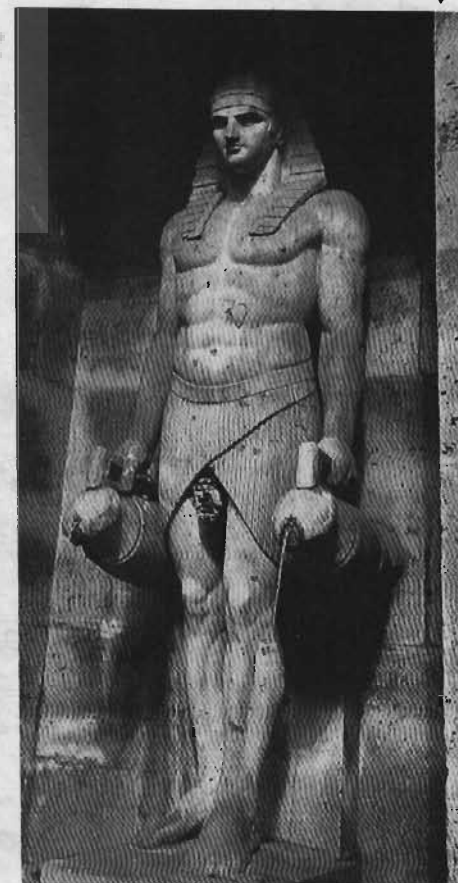
چنان مفاهیمی نقاشی و طراح فرانسوی لوئی فرانسوا کاساس را به بازسازی معابد مصری، که در سال ۱۷۹۹ به چاپ رسید، قادر ساخت. همچنین سبب شد معمارانی همچون اتیین - لوئی بویه (۱۷۹۹ - ۱۷۲۸)، که او نیز فرانسوی بود، به طراحی یادمانهای مصری شده بپردازند. طرحهای مربوط به اتاقها و جایخارهای به طور معقول مصری شده‌ای که جیامباتیستا پیرانسی، سازنده ماشین چاپ و معمار ایتالیایی، در سال ۱۷۶۹ به چاپ رساند از اهمیت برابری برخوردارند، اما حالتی بس متفاوت دارند. در این طرحها که تا حدود زیادی متأثر از هنر مصر جدید و



در قرن بیستم شماری عوامل بعضاً تازه موجبات آگاهی و تحمیل بیشتری را برای مصر باستان و هنر آن فراهم آوردند. این عوامل عبارت بودند از: کشفیات باستان‌شناسی (به ویژه مقبره توت عنخ آمون)؛ نمایشگاه‌های هنر مصر، که برخی از آنها، مانند یافته‌های توت عنخ آمون، الهام بخش تجدید حیات مصر در مناطق گوناگون بوده‌اند؛ افزایش ورود جهانگردان به مصر؛ تعلیمات بیشتر؛ و بالا رفتن احترام غربی به هنر غیر غربی. معماران، نقاشان و طراحان بدون اینکه کورکورانه از هنر مصری تقلید کنند تحت تأثیر آن بوده‌اند، همان گونه که در قرن نوزدهم نیز چنین بوده است.

با وجود این، دیگر جنبه‌های واقعی یا تخیلی فرهنگ مصر باستان به شیفته کردن و تأثیر نهادن بر غرب ادامه می‌دهد. در واقع، حتی پیش از عصر بزرگ فیلمهای تجاری سینمایی، نمایشنامه‌ها، اپراها (به ویژه آیدا)، داستانهای تاریخی، و داستانهای افسانه‌ای و ترسناک (مضمونهای مصری مدتها پیش از عالمگیر شدن خبر «نفرین» آرامگاه توت عنخ آمون در قرن نوزدهم، به کار گرفته شده بود) تفسیری از فرهنگ مصری ارائه می‌دادند. تبلیغ بسته‌بندی برای انواع محصولات، به ویژه سیگار و محصولات زیبایی، نیز در این زمینه مؤثر بوده‌اند. نشانه و دلیل علاقه‌مندی هالیوود و وابستگان آن به مصر باستان این بود که آنها از همان آغاز برای جلب تماشاچی بیشتر، با درجات گوناگونی از دقت تاریخی یا هنری، از صحنه‌های مبتنی بر طرحهای مصری استفاده می‌کردند. دیگر عوامل مهم و مؤثر در درک درست و همچنین نادرست از مصر باستان و هنر آن عبارتند از: تلویزیون، کتابهای خنده‌دار آمریکایی (که هدف آنها همیشه بچه‌ها نیستند)، و کتابهای مشابه و سطح بالاتر فرانسوی آنها. در شماری از این کتب فرانسوی طرحهای دقیق مصر جدید و یادمانهای باستانی همراه با همان

بائین، صفحه مقابل، یک مجسمه رومی قرن دوم میلادی متعلق به آنتینوس، سوگلی امپراتور هادریان. آنتینوس که پس از غرق شدن در رودخانه نیل به توسط امپراتور به مقام خدایی رسید، در این مجسمه به صورت اوزیریس خدای مصری تصویر شده است. این نوع مجسمه به صورت الگو برای فواره‌ای به کار رفت که در ۱۸۰۸ در خیابان سور پاریس ساخته شد (تصویر بائین).



تخیلات مصری شده ترکیب شده‌اند. وسایل ارتباط جمعی که نه تنها وارث روزهای نخستین هالیوود، بلکه جانشین آثار قرنهای هجدهم و نوزدهم نیز شده، مرتباً به اسطوره‌های قدیم و جدید درباره مصر باستان مانند انتساب آن به آتلانتیس، تأثیر موجودات فضائی، و «قدرت اهرام» می‌پردازند.

نمونه گویای تازه‌ای از مصری شدن در وسایل ارتباط جمعی بوستر و جلد صفحه‌نیروی برده از گروه آبرون میدن است. طرح این جلد و بوستر بدون مساعد ابوسیمبل، که هیئت اعزامی یونسکو برای نجات یادمانهای نوبیه موجبات اشتهار گسترده آنها را فراهم آورده بود، ناممکن می‌بود. با این حال، تصویر به واقع ابوسیمبل نیست، بلکه بیشتر یک تخیل مصری شده تئاتری است که فراخوان بسیاری از آثار مشهور مصری در ذهن امروزی است.

آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که شاید مصر باستان و هنر آن بهتر درک شده و مورد تحسین قرار گیرد، اما سرزمین فراغته‌ای که هرودوت مورخ یونان باستان درباره آن می‌گوید «در اینجا بیش از هر جای دیگری در جهان یادمانهای زیادی یافت می‌شود که زبان از شرح آنها کوتاه است» به صورت منبعی از شگفتیها و تخیلات بسیاری که تنها تا اندازه‌ای بازتاب واقعیت کهن است، ادامه خواهد یافت.

ریچارد فریزی از ایالات متحده آمریکا، موزه‌دار بخشهای مصری، کلاسیک، و هنر خاورمیانه باستان در موزه بروکلین است. تخصص این مصرشناس هنر مصر باستان است. او همچنین یک باستان‌شناس بوده و سرپرستی حفريات موزه بروکلین را در صحن حیاط معبد الهه موت در کرنک جنوبی به عهده دارد.